



بهمن مه آبادی، سرپرست گروه «سل»:

مثل یک انجمن فیلارمونیک کار می کنیم

□ سمیه قاضی زاده

می کنند، انگیزه کاری مان پایین می آید.

یعنی باز می رسم به مشکل کپی رایت در ایران؟
- نمی دانم باید چه کاری انجام داد تا جامعه متوجه این اشتباه شود و تفاوت یک سی دی اورژینال را با اثر تکثیر شده تشخیص دهد. در این میان، فروشندگان هم بسیار مقصردند، در ابتدا، در زمینه تکثیر غیرقانونی و در ادامه نبود تبلیغات مناسب برای آثار، ما کارمان را به همراه پوسترش تحویل فروشندگان می دهیم اما زمانی که پوستر قیافه های عجیب و غریب

حال حاضر فاصله بین ساز و میکرفن را هم برداشته است؛ یعنی تا به حال، آثار موسیقی با سه ویژگی کیفی منتشر می شد، اما در حال حاضر به این ویژگی ها، یک عنصر جدید که فاصله را بر می دارد و هوای اضافه را هم می گیرد، اضافه شده است، اما تفاوت نظرات زیاد است. ما به این مسائل فکر می کنیم. اما وقتی که می بینیم یکی از آلبوم هایمان را در فروشگاهها گذاشته اند و دائماً روی جلد آن کپی رنگی می گیرند و نوار یا سی دی را هم تکثیر

در شماره قبل، قسمت اول گفت و گوی «بانی فیلم» با بهمن مه آبادی سرپرست و تنظیم کننده گروه موسیقی کلاسیک «سل» و نوازنده ارکستر سمفونیک تهران را خواندید. در شماره گذشته بیشتر در مورد مسائل و مشکلات ارکستر سمفونیک تهران صحبت شد، اما در این قسمت، با او به عنوان سرپرست یکی از بهترین گروه های موسیقی ایران، گفت و گو کردیم و مه آبادی دل پری از وضع فعلی موسیقی کلاسیک داشت.

♦ گروه کار گروه های موسیقی کلاسیک چیست؟

- اگر به تاریخ معاصر موسیقی در ایران نگاه کنید، کمتر گروهی در ایران توانسته است در زمینه موسیقی کلاسیک، نظر کشورهای دیگری مثل اتریش را که خودش مهد موسیقی کلاسیک است، جلب کند، یا بتواند هفت آلبوم منتشر کند. با وجود اینکه همه می دانند که، داشتن یک گروه موسیقی کلاسیک، در این دوره و زمانه هیچ نفعی ندارد و اگر گروه پابرجا مانده است، تنها به دلیل پایمردی اعضای آن است.

قطعاً، اینچنین گروهی جریان فکری خاصی را دنبال می کند و برنامه ریزی دقیقی دارد، خوب در این شرایط که گروه خودش، سعی دارد که مشکلات عمده را به جان بخورد، جامعه هم باید برای او ۱۰ قدم بردارد. واقعاً آیا یک آلبوم ۶۰۰ تومانی یا یک سی دی ۳۰۰۰ تومانی، اینقدر گران است که کسی نتواند آن را تهیه کند؟

♦ شاید تبلیغات موسیقی کم است؟

- متأسفانه، شناخت توزیع کنندگان و عرضه کنندگان موسیقی، راجع به آثار تولید شده، بسیار کم است. زمانی که شما قصد خرید یک آلبوم را در وین داشته باشید، اطلاعات کافی را در زمینه آن کار به شما می دهند و در واقع علاوه بر راهنمایی، تبلیغی هم برای آلبوم های مختلف انجام گرفته است. در اینجا فقط در فروشگاه بتهوون، این اتفاق رخ می دهد. در دیگر موارد، فروش کارها بصورت فله ای است. به همین دلیل با اینکه روند توزیع آثار موسیقی، بسیار پیچیده است، ما خودمان را درگیر آن کرده ایم تا بتوانیم مخاطب شناسی درستی داشته باشیم و در فروشگاه های معتبر کارمان را عرضه کنیم. هر چند معتقدم که نباید این طور باشد، یعنی در هر فروشگاه آثار صوتی، باید قفسه ای، به آثار موسیقی کلاسیک اختصاص یابد، اما با این موضوع کاملاً کنار آمده ام که موسیقی کلاسیک تنها قشر خاص و شنونده های به خصوص را تحت الشعاع قرار می دهد و ما نیز به همین دلیل باید کار را در اختیار فروشگاه هایی با این نوع مخاطب، قرار دهیم.

♦ پس مشکل چیست؟

- مشکل اینجاست که فروشگاه های معتبر هم، در ابتدا از ما می خواهند که آثارمان را به لاله زار بفروشیم و از آنجا به دست مافیای پخش، به آنها برسد. با اینکه در همه جای دنیا، جافتاده است که باید واسطه ها را کم کرد و بهتر آن است که مستقل عمل کنیم. تمام سعی من و دیگر اعضا بر این بوده و هست که با جهان امروز پیش برویم. جهانی که در

خواننده های پاپ به دست آنها می رسد، دیگر کار ما را نمی بینند.

♦ پس منظورتان از آن ۱۰ قدمی که جامعه باید بردارد، این کارهاست؟

- بله، چون ما از نظر تداوم گروهی مشکل نداریم و تا اینجا، کار فقط به گروه مربوط می شود، اما زمانی که ما وارد عرصه تولید شدیم، این مردم هستند که باید به پیشرفت ما کمک کنند. کار گروه های موسیقی مثل انجمن های فیلارمونیک است، ما حقوقی دریافت نمی کنیم و تنها به دلیل عشق به کار است که فعالیت می کنیم و به هیچ وجه حضور مالی مطرح نیست. برای انتشار هر آلبوم ما حداقل ۳ یا ۴ میلیون خرج می کنیم و اگر کارمان خیلی فروش برود، ۵۰۰ هزار تومان برمی گردد. پس در این راه که ما از تبلیغات رسانه ای هم محرومیم و هیچ کس را جز خودمان نداریم، تنها عامل یاری دهنده، تفکر مردم است.

♦ فکر می کنید، تغییر و تحولات در حوزه مدیریت موسیقی می تواند بر موسیقی تأثیر گذار باشد؟

- منظورتان استعفای مرادخانی است؟

♦ می شود این طور هم گفت!

- باید بگویم که مرادخانی در طول این سال ها شناخت کاملی از موسیقیدانان پیدا کرده بود و در واقع در این زمینه کاملاً متخصص بود، در هیچ جای دنیا، فرد متخصص را از دست نمی دهند. شما نگاه کنید رئیس فستیوال موسیقی وین، هرگز تغییر نمی کند، چون هر سال تجربیات تازه ای به او اضافه می شود و در کار خود متخصص است، اما، حالا موسیقیدانان ایرانی که بعد از ۱۵ سال مدیریت مرادخانی تازه به راه و روش او خو گرفته بودند، باید بترسند که نکنند، کسی که می آید، راه مرادخانی را ادامه ندهد و کارها را راکد شود؛ یعنی همه فقط به این فکر می کنند که فرصت رشد موسیقی، همچنان وجود داشته باشد.

♦ فرصت رشد موسیقی را در چه می بینید؟

- در اینکه با بودجه افزایش یافته امسال، بتوان بستر مناسبی برای فعالیت هایی چون موسیقی فراهم کرد، یعنی در آمد های پایین نوازندگان ارکسترهای بزرگ ایران را افزایش داد. منظور من فقط حمایت های مالی نیست، اما در زمینه کمک های فنی، ما واقعاً محتاجیم، اگر استودیویی برای ضبط، در اختیار گروه ها قرار می گرفت، نیمی از مشکلاتشان حل می شد. حتی در زمینه مکانی برای تمرین هم، ما مشکل داریم. قطعاً نوازنده ای که روحش آزاده باشد، صدای ساز را تمیز در نمی آورد، پس باید به او میدان داد.

♦ از کار جدیدتان بگویید؟

- آخرین اثر ما که اوایل تابستان ضبطش به اتمام می رسد؛ کاری است که با هفت آلبوم قبلی، کاملاً تفاوت دارد و محتوایش، عاشقانه است. قطعات معروف عاشقانه دنیا مثل «داستان عشق»، «پدر خواننده»، «محبوب من»، «احساس» و... در آن گنجانده شده است و در واقع موسیقی قرن بیستم است اما با تم عاشقانه. این کار با آنسامیل شش نفره تولید می شود و با نام «مینیا تور» منتشر خواهد شد.